

روز گرامیداشت زن؛ مهر و عشق

کاوه ایرانی

اگر امروز ایران بر سر پاست، اگر امروز در ایران هنوز به زبان پارسی می گویند، می سرایند، می نویسند و فرهنگش به سراسر جهان تاثیر می گذارد امتیاز و اعتباری بوده است که مردم این کشور به زبان و فرهنگ خود داده اند. در حالیکه بسیاری کشور های دیگر از جمله مصر با بیش از ۷ هزار سال تاریخ زبانش به عربی مبدل شد. امروز هم مردم ایران دوست پیش از هر زمان دیگر با خرد و با اندیشه نیک به حفظ فرهنگ ملی کشور مان اولویت داده اند.

اگر در گذشته ایران با عده ای متجاوز بیگانه مواجهه بوده؛ چه حمله اسکندر مقدونی، مغولان و یا اعراب بادیه نشین، اما به یمن حدود یکصد و پنجاه سال حکومت نکبت بار قاجار و به خدمت گرفتن بیگانه و متجاوز و راه دادن استکبار انگلیس و روس نوکری بیگانگان رسم روزگار شد و تا حدی فرهنگ و اصالت ملی بدست افرادی وطن فروش و بی مایه و خودباخته این آخرین سنگر های ملی بکلی از بین رفت. ولی در یک دوران کوتاه ولی ملی باز هم نجات یافت. همانطور که فردوسی توسی ما را از افتادن در دره نابودی نجات داد.

در دروان قاجار بیش از هر زمان بیگانه پرستی رواج پیدا کرد و امروزه بیگانه پرستی با روشنفکری و دگر اندیشی همراه شده و مجالی برای مقابله با این بی وطنان که شناسنامه ایرانی دارند یک معضل غریبی شده که مبارزه تمام عیاری را می طلبد.

اگر از اسب افتاده ایم نباید از اصل بیافتیم؛ که اگر این نفس های آخر تبدیل به مرگ شود دیگر تا ابدیت تاریخ نخواهیم توانست سر برآریم و افتخارات تاریخی خود را به رخ جهانیان بکشیم. ملت ها به تاریخ خویش زنده اند. نمی باید آنچه خود داریم را از بیگانه طلب نماییم.

یکی از ترفند های دشمن برای از بین بردن " ملت " ها هجوم به تاریخ و فرهنگ آنان است. ولی به راحتی می شود در مقابل هرگونه اسارت و استعمار ایستادگی کرد اگر فرهنگ ملی ارج نهاده شود و بر آن تاکید گردد. فرهنگ ایران هنوز با کلیه مشکلات می درخشد و نباید گذاشت که این سو سو به تاریکی تبدیل گردد.

پیش از حمله اعراب بیابان گرد؛ ایرانیان در حدود هشتاد جشن ملی در سال داشته اند که به مناسبت ها و پشتوانه هایی برگزار می کردند که امروزه چند جشن از آنها بیشتر پا برجا نیستند. اگر ایرانی امروز سربلند است اصرار و تاکید او بر جشن نوروز و چهارشنبه سوری است. جشن هائی که بنا و غنای یک همبستگی ملی را تشکیل می

دهند و در سایه این جشن های اتحاد و همبستگی ملی است که می توان با دشمنان قدار ملت ایران به مقابله برخاست و شکوه و عظمت گذشته را دوباره باز یافت.

شوربختانه در چندین سال گذشته جشن ملی چهارشنبه سوری دچار معضل گشته و آنچه در این جشن ملی فراموش شده اصالت باستانی آن می باشد. شوربختانه به دلایلی که بیان آن مثنوی هفتاد من می شود این شب شادی و شاد باشی دچار یک ناهنجاری شده است که همگان را نسبت به فرهنگ ملی منزجر می کند.

از چند سال گذشته حمله همه جانبه ای با مطرح کردن مدل های بیگانه در پی از بین بردن و یا تغییر ماهیت دادن جشن های ملی ما آغاز شده است. چنانچه دچار بیگانه پرستی شویم و این خوی خانه خراب کن در نسل جوان رخنه کند و توسط استعمارگران و عوامل استعمار دامن زده شود ویرانی فرهنگ ما به انجام رسیده و در پی ویرانی، فرهنگ مردم و کشور ما نابود خواهند شد. یکی از آخرین نیرنگ های استعمار و استکبار برگرداندن جشن ملی " اسفندگان " یا " سپندارمذگان " که رسم بوده در پنجم اسفند ماه برگزار شود با نام دیگری به نام روز عشق به فرهنگ و تاریخ ما حمله ور شده است.

سپندار مذ نام دیگر " زمین " است که فردوسی در چکامه خود شرح پدید آمدن آنرا به زیبایی شرح می دهد. سپندارمذ به چم گستراننده فروتن و مقدس می باشد. زمینی که به نوشته فردوسی در آن آب پدید می آید، گیاه پدید می آید، از آن جنبندگان پدید می آیند و عشق و از خود گذشتگی پدید می آید و آغوش خود را برای همه می گستراند و زشت و زیبا را به یک چشم می نگرد. زمین نماد عشق است. بدین روی بوده است که نیاکان ما در این روز، نامه های شاد و شاد زیوی به همسرانشان و به بانوان که نمادی از زمین بوده اند و نسل خانواده را با مهر و عشق خویش امتداد می داده اند و به فرزندان خویش همانند زمین به یک نظر نگاه می کرده اند ابراز عشق می نمودند.

امروز بدون اشاره به اصل این جشن و ایرانی بودن آن همانند آنچه بر شب یلدا ، شب مهر که در روز های ۲۳ - ۲۵ دسامبر بوده رفته است و به روز تولد مسیح مبدل شده سپندارمذگان به روز " والناتین " مبدل گردیده و ریشه اصلی آن به فراموشی سپرده می شود. به ویژه که رنگ تجارتي هم به آن زده شده است.

اگر تاریخ دانان و پژوهشگران معاصر پا پیش نگذارند و در مقابل حمله همه جانبه بیگانه که به همراه عده ای مزدور و قلم به مزد با عنوان روشنفکر در صدد تعبیر خواب اربابان انگلیسی و امریکایی و اسراییلی خود هستند نباشند میهن و فرهنگ ما که محل تاخت و تاز قرار گرفته در آینده ای نه چندان دور به مانند مصر فاقد فرهنگ شده و سپس فرهنگی عاریتی برایمان نهادینه خواهند کرد که دیگر ایرانی بودن را از یاد ببریم.

با پا پیش گذاشتن پژوهشگران و تاریخ نگاران میهنمان که هنوز به عشق ایران در فرهنگ نیاکانمان پژوهش می کنند زمانی به اجنبی باقی نخواهند گذاشت تا شور و هیجانی که خود ایرانی بیشتر و با شکوهی والاتر داشته است را فراموش کنند و بجای آن چیزی از بیگانه تمنا نمایند که خود با شکوه تر داشته است. همانطور که می بینیم بجای جشن اسفندمذگان است؛ چند سالی است که از طریق ماهواره و عمدتاً تلویزیون هایی که در خدمت اهداف بیگانگان

هستند به برگزار روزی و آلتاین دامن زده اند. اگر پژوهشگران ایرانی این مجال را برای خود محیا کنند و آموخته های خود را برای تمامی مردم ایران با قدرتی بیش از این بیان کنند اثرات حمله بیگانه ها به فرهنگ ملی مان کاسته شده و مانع خواهد شد تا فرهنگ ایرانی رنگ ببازد. بجای آن می توان چنان عمل کرد تا بلکه این ملت غنی ایران باشد فرهنگ ملی خود را به جهانیان عرضه نماید؛ نه بر عکس.

مناسبات دیگری که در چند سال اخیر، نقش چپ ها به روشنی در آن دیده می شود هشتم مارس است که ارتباطی با بانوان ایران ندارد، زیرا در اصل دادخواهی یک زن سیاهپوست امریکایی است و ربطی به ایران ندارد. جالب این است که آنانی که برای زن حقوقی قایل نبوده و نیستند برای کم رنگ کردن نفرت خود نسبت به زنان و پنهان کردن " مجوز های کتک زدن زنان " خود نیز این روز را گرامی می دارند. نقش چپ ایران که وابستگی آنها به روسیه، چین و کوبا و هر کشور ریز و درشت کمونیست دیگر در ایران بر کسی پوشیده نیست، در چنین روزی به مداحه سرایی مشغول می گردند. این انترناسیونالیست ها که اکثرشان در کشور های سرمایه داری امریکا و اروپایی زندگی می کنند یکبار هم نشده که پاسخ این سوال ساده را بدهند؛ چرا با آن افکار ضد سرمایه داری در کشور های سرمایه داری زندگی می کنند؟ برای آنها که عرق ملی مطرح نیست، آنها که جهان وطن هستند چرا بجای ترویج کمونیسم در ایران در همان کشورهای سرمایه داری بپا نمی خیزند و همانجا که زندگی می کنند این مرده متعفن کمونیست را در امریکا و اروپا از گور بیرون نمی کشند؟ چرا آنها را به ایران تحمیل می کنند؟ چرا اول از « جهان وطن » شروع نمی کنند سپس در خیال کمونیست کردن جامعه ایران باشند؟!

نمی دانم چرا ما نمی کوشیم که روز زن خودمان را گرامی بداریم! روزی که مربوط به زن ایرانی است نه آمریکا یا یک کمونیست؟ شوربختانه مشتی بی وطن و جهان وطن با حقنه کردن روزی غیر ایرانی در صدد اثبات بیگانه پرستی خویش و بی آبرو کردن مردمان خودمان و فرو پاشی فرهنگ ما هستند.

به راستی زمان آن نرسیده تا میهن پرستان دلسوخته ما بپاخیزند و برای یکبار هم شده مشکل گاهشمار یزگردی، را با گاهشمار جلالی که به کوشش دانشمندان و در نهایت عالیجناب خیام به دقت محاسبه شده و طول ماه ها و فصل ها کاملاً منطبق با طبیعت است و با فرهنگ باستانی ایران منطبق می باشد با نام گذاری روزهای ماه آنطور که نیاکان ما بکار می گرفتند و از زمان اشکانیان با دقت رعایت می شد را مطرح سازند.

بدین ترتیب کش مکش ها در مورد برگزاری جشن های ملی هم از بین می رود و در هر روزی که نام آن روز با نام ماه یکی شد را جشن بگیریم، همانطور که نیاکان ما عمل می کردند.

به راستی با داشتن یک چنین فرهنگ غنی چه لزومی به روز و آلتاین، روز زن بیگانه، روز کارگر کمونیستی، داریم؟ چرا فرهنگ خویش و شایستگی ایرانی را با ناشایست های بیگانه جایگزین می کنیم؟

یک ملت به بزرگی ایران؛ با جشن های تاریخی چنان با شکوه، با بزرگی تاریخ خودش می تواند؛ روز پنجم اسفند؛ جشن ملی اسفندگان یا سپندارمذ را برگزار نماید؛ جشنی که مبین نگهبان و ایزد بانوی زمین سرسبز و نشانی از

زایش و باوری است و در چنین روزی عشق به زنان توسط مردان گرامی داشته شود؛ روزی که جشن برزگران در باروی و سر سبزی زمین پاک و مقدس است و ریشه در همبستگی ملی دارد.

بیاییم روز چهارشنبه سوری که در شادمانی، نوروز فرا رسیدن بهار و بیداری زمین از خواب زمستانی و سرآغاز شادابی و دوباره زایش زمین و طبیعت است، خورداد روز، مهرگان، یلدا، جشن آبریزی، جشن درختکاری و ده ها جشن دیگر را جایگزین جشن های تحریف شده و تحمیلی بیگانه در پی نابودی فرهنگ ایران بکنیم.

<http://kavehirani.blogfa.com/post-33.aspx>

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/women/>